

تحقیق تاریخ از نظر مردم شناسی

نوشته
نوشته :

رسید یاسمی

استاد فقید دانشگاه تهران

درفهم و تدریس تاریخ یکی از علومی که امروز دخالت کلی دارد و برای آینده هم در رشته تاریخ بسیار امید بخش است . آنانکه ترقی و تنزل ملل را منوط بتکثیر و تقلیل سکنه ممالک میدانند در بحث تاریخی باین علم متوسل شده و بسو مسائل را در روشنائی آن تفتیش کرده اند . از مشهورترین مؤسسان این مذهب تاریخی «کورادو زینی» ایتالیائی است Corradogini بعقیده این استاد علمت اساسی تغییرات تاریخی ملل تغییری است که در تعداد سکنه و جمع و تفریق مردمان و کیفیاتی که نتیجه آن است حاصل میگردد همین احوال در سایر شوون جامعه از قبیل فرهنگ و اقتصاد و سیاست و سازمان و غیره مؤثر می افتند . گذشته از جنگها و مهاجرتها و سایر حوادثی که موجب تبدیل نژاد ملل میشود موضوع اجتماع و افتراق سکنه هر کشور هم عاملی است که بطور خیلی طبیعی صفات نژادی قوم را تغییر میدهد .

* این مقاله که هنوز در جایی به چاپ نرسیده با لطف دانشمند معظم آقای دکتر باستانی پاریزی استاد دانشگاه تهران به مجله بررسیهای تاریخی اختصاص داده شده - مجله بررسیهای تاریخی از این همکاری ، صمیمانه سپاسگزار است

توضیح آنکه هر نسلی را در هر زمانی که مورد توجه قرار دهیم کاملاً نماینده نسل متقدم برخوردار نیست پس صفات نسل سابق عیناً در نسل متاخر تکرار نمی‌شود و دوشمس از نسل قبلی پیش از ازدواج و تولیدمثل می‌میرد و بقیه که مزاجت می‌کنند همه دارای اولاد نمی‌شوند لذا بر این هیچ نسلی بیش از یک هشتم تا یک ثلث نماینده خصال نسل پیشین محسوب نتواند شد از اینجا معلوم می‌شود که جریان سکنه هر جایی بتدریج منجر به تغییر کلی نسل می‌شود و یکی از قواعد کلی در این باب این است که طبقات عالی‌تر تولید مثل مینمایند و طبقات متوسطه و دانه بی‌شتر. و این امر نیز به تغییر احوال نژادی کم سکنه همیشه جریانی از پائین بالا وجود دارد و آن عبارت است از حرکت طبقات فرودین جامعه بجانب بالا تا امکانی را که در طبقه عالی‌تر بعلت تقلیل روزافزون اولاد حاصل می‌شود پر کنند مطابق این اصل، ژینی نقشه ترقی و انحطاط ملل را چنین طرح کرده است:

« همانطور که سر نوشت حیاتی یک فرد وابسته بفعل و انفعالی است که در جوارح و اعضاء او پدید می‌آید بعقیده من سمیر تکاملی عمرملتی را هم میتوان منتسب بفعل و انفعال و تغییر رتبه ملی دانست که در طبقات اجتماعی و درجات سکنه آن حاصل می‌شود .

« قومی را فرض کنیم که در جایی ساکن است خواه از خارج آمده و خواه بومی باشد در آغاز تفاوت باری در طبقات او مشاهده نمی‌شود در این حال مردم بسیار ولود و زایا هستند و این کثرت اولاد چه در عهد جدید و چه در اعصار قدیم بتحقیق پیوسته است مردم کرت و میسن و آتن و اسپارت و مهاجرین آمریکا و استرالیا و کانادا و ولاند جدید و غیره همگی چنین بوده‌اند در نتیجه مقدار ساکنان آن سرزمین رو باز دیاد می‌گذارد و در احوال طبقات تفاوت رخ میدهد و میان طبقه عالی که کم اولاد میشوند و طبقات دیگر که کثیرالاولادند مبادله جریان مییابد . همین قدر که جمعیت بسیار شد ناچار گروهی از مردم بجانب ممالک دیگر هجرت میکنند خواه تدریجاً و بطور مسالمت خواه دفعة و با جنگ و حمله در این دوره جنگها برای کشور ستانی و استعمار واقع می‌شود غالباً افراد قوی تر و مستعدتر و با همت تر بتربک وطن مألوف تن میدهند و زحمت مهاجرت و پیشقدمی در جنگ را بر خود هموار میسازند. پس از این دوره افراد نیرومند و مفید کشور از دست می‌روند. از خواص این دوره ظهور حس پهلوانی و میهن پرستی و جهانگیری و تعاون و همدستی در ولایت غربت است و افراد بسیار پیدا میشوند که خود را فدای هموطنان میکنند و در راه میهن جان می‌سپارند .

« دیر یا زود دوره دیگر پیش می‌آید . از آنجاکه در مهاجرت‌ها و جنگ‌ها اکثراً افراد با شہامت و نیرومند کشور از دست می‌روند مملکت از برومندی و قوت سابق می‌افتد و در میزان مولید او نقصان کلی حاصل می‌شود و این تقلیل اولاد در طبقات عالیہ بیشتر ظاهر می‌گردد بجای آنها افراد ضعیف‌تر و پست‌تر از طبقات دانی جامعہ قرار می‌گیرند و جریان صعودی کہ سابقاً اشارہ کردیم یعنی رفتن فرومایگان بمقام طبقات عالیہ شدیدتر می‌گردد زیرا کہ بسیاری از موانع سابقہ کہ در راه این جریان بود برداشته شدہ است این جامعہ دموکرات‌تر می‌گردد و رفاه و آسایش مردم رو با افزایش می‌گذارد زیرا کہ ہم در کشور اصلی سکنہ تقلیل یافته و ہم در مستعمرات تولید ثروت و ارزاق پیشرفت کرده است پس سطح زندگی ہمہ طبقات بالا می‌آید ذوق و سلیقہ افراد لطیف‌تر و عالی‌تر می‌گردد اشیاء تجملی کہ در سابق جز برای اشخاص درجہ اول میسر نبود مطلوب اکثر مردم می‌شود صنعت ترقی فاحش می‌کند هنرهای زیبا از قبیل موسیقی و نقاشی و ادبیات جلوه خاصی مییابد . و کارخانہ‌ها بطور عمدہ و بمقدار زیاد اشیائی را کہ موجب آسایش زندگی و تجمل می‌گردد در دسترس عموم می‌گذارند در نتیجہ کشور صنعتی می‌شود شہرها رو بعظمت می‌گذارند تجارت توسعه مییابد و روز بروز صحرانشینان بشہر نشینی رغبت بیشتری پیدا می‌کنند این را دورہ تمدن شہری و تجارتی و صنعتی باید گفت از لحاظ سیاست این دورہ دموکراسی است و از حیث احوال نفسانی تغییر عظیمی در مردم پیدا می‌شود قومی کہ بسیار ولود و جنگجو و فداکار و مہین پرست و حادثہ جو و با شہامت بود مبدل می‌شود بقومی توانگر و صنعت - پیشہ و منفعت طلب و رباخوار . تمنعی کہ از فراوانی ارزاق و فراخی معاش حاصل می‌شود مردان را راحت طلب و تن پرور می‌کند .

« از میان رفتن افراد دلیر و با شہامت و وطن دوست و فداکار ملت را صلح طلب و آرام می‌سازد مفاخر نظامی و شور مہین پرستی از اعتبار می‌افتد ترقی هنرهای زیبا کہ مولود آرامش و رفاه است بالا می‌گیرد جامعہ خود را نیکبخت و مطمئن و امیدوار بہ آیندہ می‌بیند چنانکہ سبیسرون کہ در این دورہ از تاریخ رم میزیست می‌گفت کہ « این دولت ده ہزار سال دوام خواهد یافت » لکن جامعہ از همان زمان قدم در راه انقراض نہادہ است ولی خودش آگاہ نیست چنانکہ دولت رم پس از سبیسرون ۵۰۰ سال بیش دوام نیافت . دیر یا زود بجای آن دورہ کہ ذکر کردیم عہد جدیدی پیدا می‌شود نخستین علامت این عہد تقلیل جمعیت دہات است آمدن دہقانان بشہرها و رفتن مردم بمستعمرات و کم شدن اولاد موجب

کساد زراعت و بایر ماندن مزارع می‌گردد روز بروز کمی کار دردهات محسوس‌تر می‌شود تنگ شدن دایره معاش بردهقانان آنها را وادار بجلوگیری از اولاد میکند رفته رفته دهقانان از آمدن بشهر خودداری میکنند چون سکنه دهات تقلیل یافت طبعاً خریدار مصنوعات شهری کم می‌شود پس در کارخانه‌ها بیش از اندازه مصرف جنس تهیه می‌گردد و خود ملت قادر نیست که آنرا بخرد این ازدیاد و محصولات صنعتی در صنایع اثر معکوس می‌بخشید تجارت را معطل و احوال اقتصادی اهل شهر را خراب میکند بحران‌های عظیم از حیث کثرت تولید و قلت مصرف پیش می‌آید و در نتیجه روز بروز طبقه فعال و کارگر شهرها بدبخت‌تر میشوند. در این دوره تعداد سرمایه‌داران تن‌پرور و بیگانه‌که از سرمایه خود بهره بر میدارند و نیز صاحبان حرفه‌های آزاد که نمیتوان آنها را مولد ثروت نامید رو بافزایش می‌گذارد. دولت برای حفظ کشور و مستعمرات خود مجبور است مالیات‌های گزاف بر این جماعت تقلیل یافته تحمیل کند در نتیجه شورشها و عدم رضایت‌ها از هر جانب ظاهر می‌شود زیرا که مردم نمی‌خواهند از مقدار رفاهیت و نعمت خود بکاهند و بصورت مالیات از ثروت چیزی کم کنند و سطح زندگی خود را پائین آورند پس جنگ طبقاتی شدید تر و ناگوارتر می‌شود و موجب صعوبت اوضاع می‌گردد. دولت و افراد روشن فکر در صدد جلوگیری از این پیش‌آمد‌ها بر می‌آیند دخالت دولت در امور بعد زیادی ظاهر می‌شود هر روز دولت قدمی در راه نظارت احوال اقتصادی مردم جلوتر می‌گذارد ولی نه تحقیقات علما نه مداخلات دولت نمی‌توانند این قوم را که در ورطه هلاک سرنگون شده نگاه بدارد جامعه با آخرین مرحله حیات رسیده و فرتوت و مشرف بموت می‌شود و يك روز تاریخ او از صحنه تاریخ جهان افتاده داخل موزه می‌گردد».

ژینی برای تأیید این طرح خود مثال‌های بسیار از تاریخ یونان و رم می‌آورد و احوال فرانسه را در آغاز قرن بیستم نمونه قرار میدهد بعقیده او این کشور براه زوال افتاده و اکثر ملل اروپا هم در همین حدود هستند و این سر نوشت دام‌نگیر همه خواهد شد امری است حتمی و قضائی است مبرم (لامردلقضاء الله) تنها راهی که برای نجات از این مرگ است مهاجرت و تأسیس مستعمرات جدید و مستقل است تا مردم تاریخ وطن اصلی را بصورت تازه در آنجا ادامه دهند. ❁

❁ آنچه در این مقاله از نظر خوانندگان می‌گذرد خلاصه يك کتاب حاوی فلسفه کورادو ژینی است و ما آنرا که یکی از فلسفه‌های تاریخ میباشد در معرض قضاوت محققان در اینجا چاپ رسانیدیم. (بررسی‌های تاریخی)